

رونمایی از نسخه اصلی کتاب شکسپیر



نسخه‌های اصلی «فولیوی یکم» نوشته «شکسپیر» در ایرلند و بریتانیا به نمایش گذاشته خواهد شد. به گزارش «ایسنا»، ۴۰۰ سال پیش، گروه کوچکی از دوستان وفادار «ویلیام شکسپیر» و هم‌پیمانان نظربه‌پرداز جالش پیچیده‌ای برای گردآوری آثار کامل اودریک جلد صحافی آغاز کردند. مشخص نیست که آیا این یک کار از سر عشق و احترام بوده یا برای کسب درآمد انجام شده است. اما بدون «فولیوی یکم» که سال ۱۶۲۳ میلادی، یعنی هفت سال پس از درگذشت شکسپیر منتشر شد، نیمی از نمایشنامه‌های او گم می‌شد. اکنون، مؤسسات و مجموعه‌داران خصوصی که مالک نسخه‌های اصلی به جای مانده از «فولیوی یکم» هستند، بازدید از این جلد مجموعه نمایشنامه‌ها را برای عموم مردم در ایرلند و بریتانیا امکان پذیر خواهند کرد. بر اساس وب‌سایتی که به «شکسپیر» اختصاص پیدا کرده است، ۲۳۵ نسخه از «فولیوی یکم» همچنان وجود دارد. ۵ مورد از این نسخه‌ها توسط «کتابخانه بریتانیا» نگهداری می‌شود و فقط ۵۶ مورد از این نسخه‌ها کامل هستند، چراکه در اغلب آن‌ها برخی از صفحات اصلی گم شده است. به این ترتیب «کتابخانه بریتانیا» نمایشگاهی را در سال جاری میلادی برپا خواهد کرد.

دو کتاب با نام‌های «ساخت فولیوی یکم شکسپیر» و «فولیوی یکم شکسپیر: کتاب ماندگاری به قدمت چهار قرن» که هر دو نوشته «اما اسمیت»، استاد دانشگاه رشته مطالعات شکسپیر در دانشگاه آکسفورد، هستند نیز ماه آینده منتشر خواهند شد. در دوران زندگی «شکسپیر» نمایشنامه‌ها به این منظور نوشته می‌شدند که در تئاتر استفاده شوند و به ندرت چاپ می‌شدند. در نتیجه بسیاری از نمایشنامه‌ها گم می‌شدند. اما سال ۱۶۱۶ میلادی، یعنی همان سالی که شکسپیر در سن پنجاه و دو سالگی درگذشت، «بن جانسون»، دوست و هم حرفه او، مجموعه‌ای از شعرها و نمایشنامه‌های خودش را در قالب فولیو منتشر کرد.

حدود ۷۵۰ تا ۷۵۰ نسخه از «فولیوی یکم» در سال ۱۶۲۳ میلادی روانه بازار شد. خریدارانی که برای این مجموعه نمایشنامه‌ها در نظر گرفته شده بودند.

معرفی کتاب

مثال باز؛ زمانی اجتماعی، جدی و البته خواندنی!

این رمان اجتماعی، روایت‌های پشت سرهمی را شامل می‌شود که یکی پس از دیگری موقعیت جدیدی فراهم می‌کنند. نویسنده با زبانی محاوره‌ای و با چاشنی طنز اجتماعی خواننده را همراه می‌کند و با هنرمندی، عناصر موسیقی و دیگر هنرها را با جملات و اشاره‌هایی از شخصیت‌های مطرح هنری جهان به کار می‌برد. این رمان چهار بخش اصلی با نام‌های «آرمان شهر مردی دیوانه»، «مثل بنزین و اسید روی صورت مردی خشمگین»، «از اینجا به بیرون تزیقمان کن» و «به آسمان نگاه کن درست پیش از آن که بمیری» دارد که هر کدام فصل‌های مختلفی را شامل می‌شوند. در ابتدای هر فصل ترانه‌هایی آمده که در بخش انتهایی، ترجمه آن‌ها گنجانده شده است. همچنین در بخش یادداشت‌ها معادل فارسی عناصر هنری اشاره شده نویسنده شرح داده شده است. علی مسعودی نیا، نویسنده کتاب «مثال باز»، شعر را در کارگاه سیدعلی صالحی و نگارش داستان را نزد حسین مرتضاییان آیکترا آموخته و به همین دلیل این اثر خود را به این دو چهره ادبی کشورمان تقدیم کرده است.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «به زمونی بود که این قدرها شیک و پیک نبودیم. یعنی زرت و پرت بلغور نمی کردیم که دپرسم و فلانم... دپرس... اصلا یادم نمی‌آد چیگام تنه‌باام گفته باشن دپرسیم. دپرس یعنی چی آخه؟ فکر می‌کنیم هرچی اسمش فرنگیه با کلاسه... دپرسم یعنی با کلاسم...»

عقده‌ای بازیه دیگه... مرض هم شده مایه کلاس. به سردرد بگی میگرن، به سرماخوردگی بگی فلو یا گریپ، به سرطان بگی کنسر و متاستاز، به خلّ مشنگی بگی اسکیزوفرنی...»

نشر مرکز، «مثال باز» نوشته علی مسعودی نیا را در ۲۸۸ صفحه با بهای ۱۱۵ هزار تومان منتشر کرده است.

زین قدیر

علیرضاحیدری|مدرس ویراستاری

زمانی که «و» تا «بین دورقم و عدد بیاید، باید جدانوشته شود:

۴۵۶ و ۵۹۹ از ۳۱ تا ۳۵

اگر عددها را به صورت حروفی هم بنویسیم، همین حالت است و باید جدانوشته شود:

هفت تا هشت نفر
سه و چهار جلسه

#زین_قدیر_پرسی

گفت وگو با معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی، فرهنگی شهرداری مشهد درباره طرح ایده‌پردازی گذر فرهنگی گلستان

گذر گلستان؛ زیست بوم حمایتی برای ایده‌های فرهنگی



برخی از ایده‌ها فضای بیشتری طلب کند که این فضا در اختیارشان قرار خواهد گرفت، اما در نهایت و حداکثر، ۱۰ ایده متفاوت در حوزه کسب وکارهای فرهنگی در گذر گلستان فعالیتشان را آغاز خواهند کرد.

مبنای ما بر این است که وقتی خانواده‌ای وارد گذر «گلستان» می‌شود تمام اعضای خانواده جاذبه‌های مربوط به خودشان را پیدا کنند. قانداست شاید در مرحله اول رویداد توانیم به این تنوع دست پیدا کنیم، ولی این رویداد در مراحل بعدی به‌طور مستمر از سوی شهرداری برگزار خواهد شد و به‌محض اینکه ایده‌ها مستقل شدند و از گذر رفتند، ایده‌های تازه‌تری جایگزین ایده‌های قبلی خواهد شد.»



حق مطلب را ادا کنند. ترجمه آثار بزرگ حتماً باید از زبان اصلی انجام شود، «سعيد جوزی هم انگیزه‌اش از ترجمه فاوست را از دست رفتن دنیای گسترده‌گفته در ترجمه از زبان واسطه بیان کرده است: «من ترجمه‌های اسدا... مبشری و به‌آذین را خوانده بودم. قصد نداشتم این ترجمه را شروع کنم. وقتی متن اصلی به دستم رسید و کمی پیش رفتم، شیفته متن شدم و فهمیدم منظور از فاوست و دنیایی که او تصویر می‌کند، دنیای گسترده‌ای است و آنچه در ترجمه‌های قبلی نشان داده شده است، چیزی نیست که گوته می‌خواسته نشان بدهد. ترجمه به‌آذین هم توضیح و حاشیه نداشت. پرداختن به حواشی بحث و راهنمایی خواننده برای من مهم بود. در هر بند اثر کاوش کردم و شروع کردم به‌گشتن و پیدا کردن معانی اصلی و روشن کردن ابهامات تا فضا برای خواننده درک‌پذیر شود.»

برگردانده شده، گفته است: «من در راه یافتن به ارتباطات بینامتنی این اثر منابع بیشتری در اختیار داشتم. یقین دارم به لطف این منابع به ترجمه منطبق‌تری دست یافته‌ام. این هم که مستقیم از زبان گوته ترجمه می‌کردم، در روند کار اطمینان‌خاطر بیشتری می‌داد که به‌متن اصلی نزدیک‌تر شوم.»

علی عبداللهی، مترجم زبان آلمانی نیز در نشست نقد فاوست با ترجمه سعید جوزی، با اشاره به اینکه جز ترجمه محمود حدادی، دیگر ترجمه‌ها در ایران از زبان واسطه بوده، گفته است: «این ترجمه کار سنگینی است، با این توضیحات و زبرنویس‌ها که مترجم به‌اثر افزوده، حجم کتاب بالا رفته است. چنین ترجمه‌ای سنگین‌وپرزحمت‌است. کارهای کلاسیک همیشه به ترجمه‌های مجدد نیاز دارند.... ترجمه کتابی مثل فاوست از زبانی غیر از زبان اصلی، پیشاپیش شکست محسوب می‌شود، چون آن ترجمه‌ها نمی‌توانند

شهرداری مشهد از برگزاری کارگاه‌های انتقال تجربه از سوی کارآفرین‌ها و ایده‌پردازان باسابقه و موفق خبر داد و گفت: «بعد از آن، سه کارگاه انتقال تجربه برگزار می‌شود تا ایده‌پردازان با کسانی‌که در این حوزه تجربه اقتصادی و فرهنگی موثقی داشته‌اند آشنا شوند. این‌جا به بعد مرحله داوری شروع خواهد شد.»

● سعی می‌کنیم از تمام ایده‌ها بهره ببریم اسماعیل زاده از احتمال استفاده از برخی ایده‌های فرهنگی گذر «گلستان» برای دیگر بخش‌های فرهنگی شهرداری مشهد خبر داد و گفت: «ایده‌هایی که وارد بخش داوری شدند در دو، سه گروه باهم رقابت می‌کنند و از دل هرکدام از این گروه‌ها سه ایده انتخاب می‌شود که به مرحله نهایی می‌رود و یک ایده را هم مردم انتخاب می‌کنند و در نهایت، ۱۰ ایده به مرحله نهایی می‌روند. البته این داوران هستند که مشخص می‌کنند آیا تمام این ۱۰ ایده شایستگی حضور در گذر فرهنگی گلستان را دارند یا نه؟ چون ایده‌هایی که به دبیرخانه رسیده متنوع است و حوزه‌های گردشگری، اجتماعی

و فرهنگی را در بر می‌گیرد. برای همین، این احتمال را می‌دهیم که داوران، بخشی از ایده‌ها را برای گذر گلستان مناسب تشخیص ندهند، اما چون ایده‌های ارزشمندی هستند شهرداری در بخش‌های دیگری مانند فرهنگ‌سراها از آن‌ها حمایت خواهد کرد.»

او در ادامه ویژگی ایده‌های راه‌یافته به بخش داوری

● ۱۶۳ ایده به دبیرخانه رسیده است

یوسف اسماعیل زاده، معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی، فرهنگی شهرداری مشهد درباره طرح ایده‌پردازی گذر فرهنگی «گلستان»، که مدتی پیش فراخوان عمومی آن اعلام شده بود گفت:

«برای اولین بار تصمیم گرفته شد که واگذاری فضاها که امکان واگذاری دارند در گذر فرهنگی گلستان از طریق یک رویداد ایده‌پردازی شکل بگیرد. به این صورت که ابتدا فراخوان آن را منتشر کردیم تا تمام آن‌هایی که ایده‌ای برای این گذر داشتند اعلام آمادگی کنند و بعد از طی کردن فرایند انتخاب و داوری، فعالیتشان را آغاز کنند. فرصت ارسال ایده‌ها به دبیرخانه به اتمام رسیده است و اکنون دبیرخانه مشغول ارزیابی ایده‌های ارسالی است.»

اسماعیل زاده در ادامه افزود: «تا به حال ۱۶۳ ایده ارسال شده است و چیزی حدود ۳۰ ایده از سوی دبیرخانه انتخاب می‌شود و به بخش داوری معرفی خواهد شد. در مرحله بعد، برای ایده‌های انتخابی تور آشنایی با گذر گلستان برگزار می‌شود تا صاحبان ایده‌ها با فضای موجود در گذر آشنا شوند. افزون‌براین، آن‌ها نشست‌ی با برخی از مدیران شهرداری خواهند داشت تا با نظرات و اولویت‌های شهرداری آشنا شوند.

درعین حال، فرصتی هم برای اصلاح و به‌روزرسانی ایده‌هایشان خواهند داشت.»

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی، فرهنگی

گزارش

۱۰

↓

فرهنگ و ادبیات



یوسف اسماعیل زاده، معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی، فرهنگی شهرداری مشهد: گذر فرهنگی گلستان دارد به یک زیست بوم حمایتی از ایده‌های فرهنگی تبدیل می‌شود. جایی که صاحبان ایده‌های فرهنگی بتوانند برای مدتی از حمایت‌های شهرداری برخوردار شوند

درباره «فاوست» و ترجمه‌های آن در ایران به بهانه سالروز مرگ گوته

فروش روح به شیطان

فاوست و مفیستو دائم مطرح کرده‌اند، اما معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین «فاوست» را «گوته» نوشته است. سعید جوزی، یکی از مترجمان این اثر در ایران، در نشستی درباره اهمیت کار گوته و خلق «انسان فاوستی» گفته است: «گوته اولین کسی نبود که فاوست نوشت... کریستوفر مارلو این موضوع را در زبان انگلیسی می‌پرواند. پس در زبان انگلیسی هم این موضوع وجود داشته، ولی هیچ‌کس به اندازه گوته نتوانسته است این شخصیت را آن‌طور که واقعاً در توان ادبی این شخصیت وجود دارد، در کتابش ارائه دهد. هنوز که هنوز است، با اینکه بعد از گوته «هاینریش هاینه» و «لسینگ» هم فاوست دارند و حتی خارج از زبان آلمانی، شاعران فرانسوی سعی کرده‌اند فاوست بنویسند و حتی شاعر پرتغالی، «فرناندو پسوا» هم فاوست نوشته است. هیچ کدام نتوانسته‌اند به اندازه گوته شخصیت فاوست را نشان بدهند، چون گوته در تمام طول زندگی‌اش روی فاوست کار کرده است. بخش اول داستان جمع‌وجور است و بیشتر در تئاترها اجرا می‌شود، اما بخش دوم بیشتر بار فلسفی دارد و آن انسان فاوستی که ما از آن صحبت می‌کنیم... را مطرح می‌کند.»

● دشواری‌های ترجمه فاوست به فارسی محمود حدادی با برشمردن برخی ویژگی‌های فاوست درباره ترجمه آن گفته است: «استفان سوايگ می‌گوید اگر شیلر بزرگ از ۶۰ درصد واژگان آلمانی بهره می‌گیرد، و سعت بهره‌گیری گوته از خزانه این زبان ۹۰ درصد است... در «فاوست» سطح زبان و ساحت‌های کاربرد آن صحنه به‌صحنه عوض می‌شود. در یک صحنه سخن خداوند با فرشتگان می‌آید، در یک صحنه دیگر جر و منجر مشتی عامی مست در یک میخانه، به نسبت این صحنه‌های متفاوت لیح بیان هم تغییر می‌کند... «فاوست» ربط‌های بینامتنی با بسیاری آثار باستانی و اسطوره‌ای دارد، حتی از بسیاری نقاشی‌های دوران رنسانس الهام می‌گیرد، وانگهی به یک واقع‌ه مشخص تاریخی برمی‌گردد، بسنده کردن به ترجمه صرف متن، کتاب را پادروها می‌گذاشت. مترجم در ضمن و به‌طور طبیعی معرف هم هست. منتها سهم معرفی درباره این کتاب به اقتضای چندجانبگی موضوع آن بیشتر بود.»

● او در تمایز ترجمه خودش در مقایسه با ترجمه‌های پیشین در ایران که از زبان واسطه به فارسی

